

بررسی و معرفی ادبیات

فارسی زرتشتی

مقاله

سیدسعیدرضا منتظری

یکی از گونه‌های فارسی جدید «ادبیات فارسی زرتشتی» است که پیروان دین زرتشتی پس از ورود اسلام به ایران در کنار آثار اوستایی و پهلوی به زبان فارسی جدید نگاشتند. این قبیل آثار اغلب ترجمه داستان‌ها، اساطیر، آداب و رسوم، سنن، قوانین و احکام و اوراد موجود در اوستا و رساله‌های پهلوی است. در واقع زرتشتیان برای حیات و بقای دینی خود رفع نیازهای شان مجبور بودند تا مفاهیم نقل شده در متون کهن اوستایی و پهلوی را به فارسی جدید بازگردانند.

ادبیات فارسی زرتشتی به دلیل اینکه زرتشتیان آن را پدید آورده‌اند، ویژگی‌های خاص خود را از دیگر متون فارسی جدید دارند. این متون در واقع بیانگر مفاهیم کهن اساطیری و فرهنگی و اعتقادی ایرانیان باستان است و بیشتر ارزش محتوایی دارند تا ادبی و ایرانیان برای شناخت فرهنگ و تاریخ و باورهای گذشته خود، از مواجهه با این متون ناگزیرند. همچنین این متون چون ساختار ترجمه‌ای دارند، از لحاظ ادبی ارزش چندانی ندارند، اما به لحاظ واژگانی و زبانی بسیار غنی هستند و تا حدودی دور از حجمه واژگان بیگانه. این تفکر عملی شده بود تا غالب مؤلفان این متون دست به گنجینه عظیم واژگان و ساختارهای متون کهن ایرانی بزنند و از ظرفیت‌های این میراث کهن ایرانی استفاده کنند. پس با این توصیف‌ها تلاش برای شناخت و بررسی و زنده نگه داشتن این متون امری ضروری است و کمک شایانی به شناخت هر چه بهتر و درست‌تر زبان فارسی و درک ساختارها و ابعاد آن می‌کند و بررسی تحولات و تغییرات آن را میسر می‌سازد.

تعیین زمان برای این آثار کاری بسیار سخت است و نمی‌توان این متون را در یک زمان مشخص قرار داد و برای آنها تاریخی در نظر گرفت، اما آن چیزی که آشکار است این نکته است که شاید بتوان پیشینه این متون را از لحاظ سبکی و زبانی، اختصاصات و جزئیات از زمره آثار نخستین ادبیات فارسی قرار داد.^۱

۱. ژاله آموزگار، زبان، فرهنگ و اسطوره، ص ۹۷.

چکیده: یکی از گونه‌های فارسی جدید، «ادبیات فارسی زرتشتی» است که پیروان دین زرتشتی پس از ورود اسلام به ایران در کنار آثار اوستایی و پهلوی به زبان فارسی جدید نگاشتند. این قبیل آثار اغلب ترجمه داستان‌ها، اساطیر، آداب و رسوم، سنن، قوانین و احکام و اوراد موجود در اوستا و رساله‌های پهلوی است. نویسنده در نوشتار حاضر می‌کوشد به معرفی آثار شاخص ادبیات فارسی زرتشتی بپردازد. وی متون مذکور را در چندین دسته تقسیم بندی کرده و در زیر هر دسته به معرفی آثار شاخص آن اقدام نموده است. دسته بندی آثار مذکور بدین شرح است: ۱. ترجمه و تفسیر متون اوستایی، پهلوی، و پازند؛ ۲. رسالات کامل؛ ۳. روایات؛ ۴. تاریخ و ادبیات؛ ۵. رسائل اخلاقی.

کلیدواژه‌ها: ادبیات فارسی زرتشتی، زرتشتیان، زبان فارسی، ادبیات فارسی.

ترجمه‌هایی که از این بخش به جای مانده برای فرگردهای ۱ تا ۵، ۱۵، ۱۸ و ۲۰ و نذیداد است. همچنین در کتابخانه ملی ایران نیز خلاصه‌ای از نذیداد و کردهای آن به جای مانده است.^۶

همچنین از نذیداد ترجمه و تفسیرهای منظومی به جای مانده که شامل سرودهای دستور نوشیروان مرزبان کرمانی (۹۹۶ یزدگردی)، سروده نورو هیرجی بهرام بایی جی مشهور به منشی (۱۱۸۹ یزدگردی) و دستور ایرج جی سهراب جی (۱۲۵۰ یزدگردی) است.^۷

ه) خرده اوستا

این کتاب چون شامل اجرای مراسم، آیین‌ها، اوراد و اذکار و دستورات دینی و روزمره زرتشتیان بوده است، بیشتر مورد توجه زرتشتیان فارسی زبان واقع بوده، بنابراین ترجمه‌های بسیاری نیز از آنها به جای مانده است که شامل: خرده اوستای کهن و ترجمه زند و پازند آن و نیز قطعاتی که از دل متن خرده اوستا به جای مانده‌اند از قبیل آفرینگان، سی روزه، نیایش‌ها، شرح کشتی بستن و غیره.^۸

گفتنی است قطعات کوچک دیگری نیز از بخش‌ها و قطعات اوستا از جمله رساله آفرین پیغمبر زرتشت، درون یش، اوستای درون و نیز ویسپرد به جای مانده که بیشتر به دوران متأخر تعلق دارند و از لحاظ بسامد نیز چندان زیاد نیستند.

۱-۲. ترجمه متون پهلوی

۱-۲-۱. ارداویراف نامه

این کتاب از آثار مهم دین زردشتی به زبان پهلوی است که در آن شرح سفر شخصی به نام ارداویراف به جهان دیگر و آوردن گزارش از دنیای دیگر، بهشت و دوزخ و وقایعی که برای مؤمنان و جدیدینان زردشتی اتفاق می‌افتد می‌آورد و آنها را نسبت به دین زردشتی پایبندتر و استوارتر می‌کند.

الف) ارداویراف نامه منثور

زرتشتیان از روی اصل پهلوی ارداویراف در حدود قرن‌های چهارم و پنجم هجری ترجمه‌ای از آن به نشر ارائه کرده‌اند که بعدها در سده هفتم هجری زرتشت بهرام پژدو از روی آن متن منظومی از ارداویراف سروده است که از لحاظ مضامین تفاوت‌هایی با اصل پهلوی آن دارد.^۹

ب) ارداویراف نامه منظوم

۱. سروده بهرام پژدو

این ارداویراف در سده هفتم هجری مصادف با یورش مغولان به ایران سروده شده است. بهرام پژدوی بیژن‌آبادی زرتشتی معتقد است که بر

اگر بخواهیم تمام متونی را که زرتشتیان به زبان فارسی نوشته‌اند مورد مذاقه قرار دهیم، کاری عظیم و سترگ است و بسیاری از آنها قطعاتی کوچک و حتی چندخطی‌اند که ارزش ادبی و زبانی و محتوایی چندان ندارند. پس فقط آثاری که می‌توان آنها را در زمره آثار شاخص ادبیات فارسی زرتشتی گنجانند معرفی و بررسی شده است.

درباره نحوه تقسیم‌بندی این متون نظرات مختلفی وجود دارد و عده‌ای آن را بر اساس پیشینه زبانی آنها به روایات متقدم و متأخر تقسیم می‌کنند^{۱۰} و برخی دیگر محتوای آثار را ملاک قرار می‌دهند و بر اساس آن میان متون تمایز قائل شده‌اند، اما شاید درست‌ترین باشد که تلفیقی از دیدگاه‌های زبانی، تاریخی و محتوایی را معیار قرار داده و بر اساس آن، این متون گستره و متنوع را تقسیم کرد.

۱. ترجمه و تفسیر متون اوستایی، پهلوی و پازند

۱-۱. ترجمه و تفسیر متون اوستایی

الف) گاهان

به دلیل آنکه این متون از متون ارزشی و مقدس زرتشتیان به حساب می‌آمده، بیشتر حالت تقدس گفتاری آن اهمیت داشته و چندان به ترجمه و تفسیر آنها به فارسی نمی‌پرداختند. با این وجود بیشتر ترجمه‌ها و تفسیرهای به جای مانده از این متون برای دعاهای «یتاهاو»، «اشم و هو»، «ینگه هاتام»، «پنج گاه کوچک» و نیز قطعاتی از یسنا ۳۱ و ۳۴ است.^{۱۱}

ب) یسنا

قطعاتی از یسنا همراه با ترجمه‌های تحت‌اللفظی واژه به واژه فارسی به دست آمده است که بسیاری از آنها کامل نیست و فقط شامل بندهای از یسنا است.^{۱۲}

ج) یشتها

از این قسمت اوستا نیز تنها قطعات و بخش‌های به دست آمده که بیشتر اهمیت ارزشی و آیینی داشته‌اند که شامل هرمزد یش، هوم یش، فروردین یش، بهرام یش و آبان یش است.^{۱۳}

د) وندیداد

این متون چون از لحاظ فقهی، حقوقی و آیینی ارزش بسیاری داشته و به نوعی رساله عملیه زرتشتیان به حساب آمده، ترجمه‌ها، تفسیرهای بسیاری به نظم و نثر از این بخش از اوستا ارائه داده‌اند. بیشترین

2. Dhabar, *SaddarNasr and SaddarBundehehsh*, III.

3. Blochet, *Catalogue des manuscrits mazdéens (Zend, Pehlvis, Parsis et Persans) de la bibliothèque nationale*, 166-168; Rieu, *Catalogue the Persian manuscript in the British Museum*, 271; Dhabbar, *Descriptive Catalogue of all Manuscripts in the Firsi Dasur Meherji Rana Library Navsar*, 137.

4.; Dhabbar, *Ibid*, 137; Katrak, *Ibid*, 73 Sachau, *Ethe, catalogue of the Persian, Turkish, Hinduṣṭani and pushtu manuscripts in the Bodleian Library*, 1109.

5. Dhabbar, *Ibid*, 138, Blochet, *Ibid*, 23-25.

6. Katrak, *Ibid*, 90; Blochet, *Ibid*, 59.

7. Katrak, *Ibid*, 150; Dhabbar(b), *Ibid*, 60.

8. Dhabbar(a), *Ibid*, 23-24; Katrak, *Ibid*, 103; Blochet, *Ibid*, 25.

9. Kargar, *Arday-Viraf-Name*, 23-25; Katrak, *Ibid*, 12-50.

۵-۲-۱. بندهش

این کتاب ترجمه و تفسیر اوستا است و بیشتر شامل مباحثی در باب آفرینش و چگونگی شکل‌گیری جهان و موجودات و عناصر آن که در اصل بیان‌کننده جهان‌بینی زرتشتی است که در ادبیات فارسی زرتشتی به دلیل مسائل غیردینی آن کمتر مورد اقبال واقع شده است. از این اثر قطعاتی به فارسی ترجمه شده است که بیشتر ترجمه تحت‌اللفظی آن و بسیاری از آنها نیز ناقص است.^{۱۶}

۶-۲-۱. مینوی خرد

این کتاب در ادبیات فارسی زرتشتی به دلیل آنکه اصل پهلوی آن شامل موضوعات مختلف دینی، اساطیری و اندرزه‌های اخلاقی است، بسیار مورد توجه قرار گرفته و ترجمه‌های بسیاری از آن به نظم و نثر انجام گرفته است:

الف) سروده مرزبان راوری کرمانی

این سروده در حدود ۹۸۰ یزدگردی در بحر متقارب توسط مرزبان پور رستم پور مرزبان از موبدان راور سروده شده است.^{۱۷}

قسمت‌هایی از این متن:

کنون باز گردم به کار خود
به مینوی پاسخ گذار خرد
چنین دان آیا نامدار سخن
که چون مرزبان داشت راور وطن

ب) سروده داراب هرمزدیار

این اثر را داراب هرمزدیار در سال ۱۰۴۶ یزدگردی آغاز به سرایش آن می‌کند که به نوعی صورتی کامل‌تر از کار مرزبان راوری است. او کار را با توصیفی از علت آغاز سرایش کتاب آغاز می‌کند و سپس قسمت به قسمت مینوی خرد را به نظم می‌کشد. ضمناً داراب در متن اشاره به این نکته می‌کند که از روی نسخه‌های پهلوی، زند و حتی سنسکریت نیز برای نظم این کار استفاده کرده است.^{۱۸}

ج) ترجمه‌های مثنوی خرد

این متن احتمالاً از سده نهم یزدگردی و به دنبال انتقال بسیاری از نسخه‌ها به هند به زبان فارسی زرتشتی ترجمه شده‌اند که دستنویس‌هایی از این اثر به جای مانده است که کهن‌ترین آن مربوط به کتابخانه ملافیروز است و در ۱۱۶۶ یزدگردی همراه با متن پازند و فارسی کتابت شده است. همچنین دستنویس‌های دیگر در کتابخانه‌های

اساس تشویق‌های پدر و مادرش دست به نظم ارداویراف زده و آن را در ۱۸۴۹ بیت در بحر هزج مسدس محذوف به زبانی ساده و روشن و بدون ابهام و سرشار از واژگان و اصطلاحات دینی زرتشتی سروده است.^{۱۹}

۲. سروده کاوس فریبرز یزدی

این اثر را فریبرز یزدی از بازرگانان نوساری به تشویق انجمن موبدان در سال ۹۰۲ یزدگردی در ۱۱۰۰ بیت در بحر متقارب از روی نسخه منثور که به سال ۸۹۶ یزدگردی به هند برده شده به نظم کشیده است.^{۲۰}

۳. سروده انوشیروان کرمانی

این اثر منظوم در ۴۲۴ بیت در سال ۹۸۸-۹۹۸ یزدگردی در بحر هزج سروده شده که تفاوت‌های عمده با سروده بهرام پژدو دارد و هر آنچه را که او در کار خود نیابوده، انوشیروان کرمانی در این اثر به نظم درآورده است.

۲-۲-۱. زند بهمن یسن یشت

زند بهمن یسن از متون پیش‌گویانه و مکاشفه‌ای در دین زرتشتی است که از تفسیر سودگرنسک اوستایی است و تحریر آن نیز به پازند که در واقع تکمیل‌تر از اصل پهلوی آن است موجود است. از این اثر ترجمه‌ای به زبان فارسی زرتشتی در کتاب روایات داراب هرمزدیار آمده است که از روی نسخه‌ای دیگر که از یزد آمده در تاریخ ۸۶۶ یزدگردی کتابت شده است.^{۲۱}

۳-۲-۱. وجرکرد دینی

اصل پهلوی این کتاب مجموعه‌ای از متن‌های گوناگون است که خصوصیات روایات را دارد و در واقع توصیفی از مراسم دینی و مسائل فقهی زرتشتی و آیین در گذشتگان و غیره است که نویسنده آن را میدیوماه، پسر عموی زرتشت می‌داند. دستنویسی در کتابخانه ملافیروز با عنوان وجرکرد دینی آمده است که تدوین‌کننده آن فولاد رستم گشتاسب اردشیر بوده است.^{۲۲} ترجمه دیگر از این اثر نیز توسط جاماسب ولایتی صورت گرفته که در کتابخانه ملی پاریس است.^{۲۳}

۴-۲-۱. شکند گمانیک وزار

از جمله آثار کلامی دین زرتشتی است که متن پهلوی آن از بین رفته و تنها تحریر پازند و ترجمه سنسکریت آن در دست است. از این اثر قطعاتی سه زبانه به پازند، سنسکریت و فارسی به جای مانده که ترجمه فارسی آن در پی هر بند پهلوی آمده است.^{۲۴}

10. Ibid, 27-32; Ibid, 34,66,105; Blochet, Ibid, 88, 103 ;

رحیم عقیقی، ارداویراف‌نامه منظوم، ص ۲۳-۲۴.

۱۱. ژاله آموزگار، زبان، فرهنگ و اسطوره‌ها، ص ۱۰۵.

Kargar, Arday-Viraf-Name, 27.

12. Dhabhar(b), Ibid, 74; KatraK, Ibid, 161.

13. ; Dhabhar(b), Ibid, 148

۱۴. ژاله آموزگار، زبان، فرهنگ و اسطوره، ص ۱۱۹.

15. Rieu, Catalogue the Persian manuscript in the British Museum, 271; Dhabhar(a), I-

bid, 51.

16. Ibid

۱۷. ژاله آموزگار، زبان، فرهنگ و اسطوره، ص ۱۰۸.

18. KatraK, Ibid, 77, 93.

سورات، ملی پاریس و ملی مونیخ موجود است.^{۱۹}

۱-۲-۷. اخت جادو و گوشت فریان

کتاب یوشت فریان از متون اندرزی پهلوی است که احتمالاً در اواخر دوره ساسانی جمع‌آوری شده و حاوی معماها و پرسش‌هایی است که اخت از یوشت فریان می‌پرسد و او بدان پرسش‌ها پاسخ می‌دهد. از روی تقریر پازند آن، نسخه‌های به فارسی زرتشتی به جای مانده است.^{۲۰}

۱-۲-۸. جاماسب‌نامه

این کتاب تقریباً همان مطالب جاماسب‌نامه پهلوی است که تنها در فصولی چند با اصل پهلوی تفاوت دارند و بیشتر شامل پرسش و پاسخ‌هایی است که بین گشتاسب و جاماسب رد و بدل شده و در آن از آثار پیشگویانه و حوادث شاهان و بزرگان قبل و بعد از گشتاسب و وقایعی که در جهان از قبیل قحطی و خشکسالی و پیدا شدن منجیان و اتفاقات دیگر رخ می‌دهد سخن به میان آمده است.^{۲۱} البته گفتنی است که آثار دیگری تحت نام جاماسب‌نامه از قبیل سخن چند دیگر از احکام جاماسب یا صورت منظوم آنها ذکر شده که به دلیل گستردگی به آنها پرداخته نمی‌شود.

۲. رسالات کامل:

این دسته از متون فارسی زرتشتی برگرفته از متون کهن اوستایی، پهلوی و پازند است که زرتشتیان ایران در سده‌های ۹-۱۲م با خود به هند بردند و در آنجا نیز مورد بازبینی قرار دادند که بیشتر شامل موضوعاتی از قبیل آیین‌های گذار و دینی زرتشتیان، جشن‌ها و آیین‌ها و مسائل فقهی و حقوقی آنها است.

آثار داراب پالن

یکی از دستوران نوساری هند است که در خانواده‌ای موبدزاده تربیت یافت و توانست بر متون اوستایی، پهلوی و زند تسلط یابد و بسیاری از مفاهیم و موضوعات آن را که به دین زرتشتی مربوط بود به غالب سرود در بیاورد.

الف) فرضیات‌نامه

اثری است به نظم که در آن داراب پالن تکالیف و وظایفی که شخص دیندار زرتشتی باید در طول زندگی انجام دهد سروده است.^{۲۲}

ب) خلاصه دین

این اثر داراب پالن بیشتر شامل مسائل کلامی و اعتقادی زرتشتیان است که در سال ۱۰۵۹ یزدگردی به قالب شعر درآمده و موضوعاتی از قبیل زندگی زرتشت، حقیقت دعا‌های زرتشتی، شرح نسک‌های اوستا و همچنین ستایش ایزدان زرتشتی و امشاسپندان و معادشناسی زرتشتی سخن رانده است.^{۲۳}

ج) داستان مهاجرت زرتشتیان

این مجموعه داستانی درباره مهاجرت زرتشتیان به هند است که داراب پالن در هند سروده و تفاوت‌هایی را نسبت به داستان دیگر مهاجرت زرتشتیان، قصه سنجان دارد.^{۲۴}

از داراب پالن آثار دیگری نیز چون روزنامه، اوستا و مناجات به جای مانده است.^{۲۵}

سوگندنامه

رساله‌ای است درباره آیین‌های سوگند، پیشینه سوگند، انواع سوگند و چگونگی آن که به دو صورت مستقل و روایات آمده است و شباهت بسیاری با صد در نثر و صد در بندهش از لحاظ مفهومی دارد.^{۲۶}

علمای اسلام

رساله‌ای است که در قرن ششم و هفتم هجری در پاسخ به روحانیون مسلمان در اثبات عقاید و باورها و آموزه‌های زرتشتیان نوشته‌اند. در این رساله به مسائلی از قبیل جبر و اختیار، تقدیر و زور و گزایی، چگونگی آفرینش و رستخیز و معادشناسی زرتشتی و انسان پرداخته شده است.^{۲۷}

رساله صد و یک نام اورمزد

رساله‌ای است اعتقادی و کلامی که صد و یک نام خدا را شرح و معنی می‌کند. این اثر را انوشیروان آذر فرخزاد از اوستا و زند تفسیر کرده است.^{۲۸}

مجموعه صد در

صد در به آن دسته از متون روایی فارسی زرتشتی گفته می‌شود که صد باب یا فصل دارد و در آن به مسائل اساسی، دینی و اخلاقی زرتشتی اشاره شده و تمام آن به بینش و آگاهی در دین زرتشتی ختم می‌شود. متن صد در نظم درباره علت نام‌گذاری «صد در» بیان کرده که دین زرتشتی مانند شهری است که صد در دارد و تمام آن به روشنی و بینش ختم می‌شود.

23. Ibid,132; Dhabar, *Descriptive Catalogue of some Manuscripts bearing on Zoroastrianism and Pertaining to the Different Collections in the MullaFeroze Library, Trustees of the Parsee Punchayet Funds and Properties*,74.

۲۴. زاله آموزگار، زبان، فرهنگ و اسطوره، ص ۱۰۶.

25. Modi, Ibid, 110-119.

26. Dhabar(a),Ibid,34;Riue, Ibid,52; Katrak, Ibid,122.

27. Dhabar(b), Ibid,149; Katrak, Ibid,12; Blochet, Ibid,88,39.

28. Dhabar(a), Ibid,80; Dhabar(b), Ibid,153; Katrak, Ibid,12.

19. Dhaba(b), Ibid,146; Katrak,Ibid,139-241; Blochet, Ibid,172,168 ; Bartholomae, ch. (1915), *Die Zendband Schriften derk hof und staats bibliotek in Munchen*,124.

20. Dhabar(a),Ibid,73,83; Katrak,Ibid,24.

21. Rieu, Ibid, 52;

روایات داراب هرمزدیار، ۲/۲۸۲-۲۹۰.

22. Modi, *The Persian ferziat-nameh and Kholase- I Din of Daštūr Darab Pahlan, Text and Version With notes*,29,125;

در مقدمه آنها آمده، هیچ برتری‌ای نسبت به دیگر نسخه‌ها ندارند. پس باید با دید جدی‌تری به آنها نگریسته شود و به راحتی نباید آنها را تأیید یارد کرد.

دوبار در مقدمه کار خود استناد به مقدمه صد در بحر طویل می‌کند و می‌گوید این اثر را سه دستور و روحانی بلند پایه به نام وردست، میدیوماه و سیاوش در زمان پیروزی اعراب نوشته‌اند:

چون نزدیک بود ایام دور پاشیدن
برگزیده نیک کرداران و دستوران دین

وردست بزرگ و میدیوماه اشو
با سیاوشان سه دستور اشو پاسخ شنو

با صلاح یکدیگر از گفتن چیزی که بود
از کتاب پارسی بیرون نوشتن به هر سود

دوبار این ابیات را با این بیت از صد در نظم مقایسه می‌کند:

بزرگان زوستا و پازند و زند
مرین صد درش را برون کرده‌اند

و چون در این ابیات اشاره به صد در شده، اما درباره نظم، نثر، بندهش و بحر طویل بودن آن اشاره‌ای نشده و از آنجا که کهن‌ترین صد در، صد در نثراست و همچنین پیش‌ترین متن را به «صد در» می‌شناختند، پس استناد به آن می‌کند و این سه دستور را از نویسندگان و مترجمان نخستین صد در نثر می‌داند،³¹ اما از آنجا که در هیچ یک از نسخه‌های به دست آمده، اشاره‌ای به این سه مؤلف نشده، پس جای شک و تردید وجود دارد.

تاوادیبا با استناد به دستنویس شماره ۶۱۰ در «انجمن خاورشناسی کاما» که در آن ضمیمه‌ای از سوی «اردشیر بهرام بن اردشیر» به تاریخ روز اورمزد، ماه شوال سال ۱۱۷۸ آمده، این طور بیان می‌کند:

«اما بعد:

بدان که این کتاب درباره شایست و نشایست است که دستوران و موبدان بیان کرده‌اند در زند و پازند از بهدین مزدیسنان و به نام صد در شهرت یافته است؛ بدین منظور که دست‌یابی بدان، برای پیروان دین به آسان باشد. در آن روزها خسرو شاه پسر آذرباد، موبدان موبد [آن را] از نگارش پهلوی به نگارش دبیری برگرداند و دیگر باره بهمین پسر پایدار [آن را] به نگارش دبیری نوشت؛ از کتاب موبدان موبد ایران شاه پسر ایزدیار پسر تشریاریار پسر آذرباد به منظور آنکه پیروان دین به که [آن را] می‌خوانند... برای روان‌های ایشان، خواستار بخشایش شوند».

زراتشت شهری بنا کرده است
درو صد در از غیب واکرده است

به هر در که یابی در آن شهر راه
بیابی بهشت و رهی از گناه

زراتشت بنگر چه دین‌پرور است
که در شهر دینش ره از صد درست

مجموعه صد در شامل چهار متن «صد در نثر»، «صد در بندهش»، «صد در بحر طویل» و «صد در نظم» است که عبارت‌اند از:

الف) صد در نظم یا صد در شعر که در واقع همان به نظم کشیده شده صد در نثراست در حدود ۸۶۴ یزدگردی (۱۴۹۵ میلادی) توسط ایران شاه پسر «ملک شاه» به نظم درآمده است. ایران شاه شاعری است که به کرمان می‌رود و در آنجا به خواهش دستور شهریاریار پسر دستور اردشیر پسر بهرام این اثر را به نظم می‌کشد:

به من گفت صد در به نظم آر تو
که نامت بماند به گیتی از او

چو گفت این سخن جمله دستور دین
پذیرفتم و شاد گشتم ازین^{3۲}

ب) صد در بحر طویل هم توسط «رستم اسفندیار» و «بهزاد رستم» در تاریخ ۹۷۳ یزدگردی (۱۶۰۴ میلادی) به نگارش درآمده‌اند که از لحاظ زبانی و محتوایی از درجه اهمیت کمتری نسبت به دیگر متون صد در برخوردار است و در بحر مل مثنی محذوف به نظم درآمده است.^{3۳}

ج) صد در نثر

درباره سال کتابت صد در نثر و نویسنده آن نشانه‌های دقیقی وجود ندارد. تاریخ نگارش این اثر را به قبل از ۸۶۴ یزدگردی، تاریخ تصنیف صد در نظم، بازمی‌گردانند و چون نشانه‌هایی از تاریخ نگارش این متن در دست نیست، ناگزیر استناد به تاریخ نگارش صد در نظم می‌کنند و با توجه به اینکه صد در نظم، همان نظم صد در نثراست، پس باید تاریخ کتابت صد در نثر را به پیش از ۸۶۴ یزدگردی، یعنی کتابت صد در نظم رساند.

نام مؤلفان صد در نثر در برخی از دستنویس‌ها در مقدمه کار آمده است، اما از آنجا که در برخی از دستنویس‌ها نیز نام مؤلفان نیامده، آن را الحاقی پنداشته‌اند. در این باره باید گفت که متون هندی چندان اهمیتی به جزئیات تاریخی نمی‌دادند و نیز نسخه‌هایی که نام مؤلفان

29. Tavadia, J. C. (1954), "Sad Dar Versions and their Authors", 34; Dhabar (b), Ibid, 149; Modi, *The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees* 21-22.

30. Ibid

31. Dhabar, Ibid, III.

یزدگردی است. این نسخه همان T. ۳۰ متعلق به کتابخانه مهرجی رانا در نوساری است که پیش تر اشاره شد و ظاهراً رونوشت های بسیاری در هند از روی آن نوشته شده است.^{۳۵}

۳. روایات

روایات به پاسخ هایی گفته می شود که زرتشتیان ایران به سؤالات فقهی و حقوقی پارسیان هند در قرن ۹ تا ۱۲م داده اند. به بیان دیگر فتاوایی است که زرتشتیان ایران در باب مسائل دینی زرتشتیان بیان کرده اند.

نحوه صدور این پرسش و پاسخ ها بدین صورت بوده که پارسیان هند بر اساس نیاز و ضرورت، مسائل و مشکلات دینی خود را مطرح و توسط قاصدان برای دستوران ایران می فرستادند و آنها نیز توسط پیام آورانی پاسخ آنها را بازمی گردانند. زبان این پاسخ ها اغلب خشک و متناسب با موضوع مطروحه فقهی بود که سرشار از مفاهیم و اصطلاحات دینی زرتشتی است. این روایات را معمولاً با نام پیام آور آن نامگذاری می کردند و آغاز آن را به سال ۸۸۲ ق/ ۱۴۷۷م برای نریمان هوشنگ می دانند. پیش از این رابطه پارسیان هند از حضور همکیشان خود در ایران بی اطلاع بودند، اما از این تاریخ به بعد ارتباطات آنها با یکدیگر در قالب مسائل دینی، اقتصادی، مالی و فرهنگی آغاز شد و همواره در مسائل مختلف به یکدیگر کمک می کردند. این دسته متون علاوه بر ارزش فقهی و دینی، شامل فتاواهای دینی زرتشتی است که مشکلات و مسائل تاریخی جامعه هندو ایرانی آن دوران را به نمایش می گذارد.

۱-۳. روایت نریمان هوشنگ

روایاتی است که یکی از پارسیان هند به نام نریمان هوشنگ در سال ۸۴۷ یزدگردی / ۱۴۷۸م با خود از ایران به هند آورد. او ابتدا به دلیل آنکه زبان و خط فارسی نمی دانست و نمی توانست با زرتشتیان یزد ارتباط برقرار کند، به مدت یکسال در شهر یزد پیشه تجارت در پیش گرفت و بعد از برقراری ارتباط و جلب رضایت و اعتماد همکیشان ایرانی خود تلاش کرد تا بسیاری از حقایق و مشکلات و مسائل فقهی و حقوقی پارسیان هند را از زرتشتیان پرسد و پاسخی روشن و درست درباره آنها پیدا کند. او همچنین متن های دینی پهلوی و اوستایی را که در هند نبود به آنجا فرستاد و مقدمات آموزش این دو زبان و خط را برای موبدان هندی در ایران مهیا ساخت. این روایت از آنجا که نخستین وسیله آشنایی جامعه پارسیان هند و زرتشتیان ایران است دارای اهمیت است. روایات او دارای سه بخش و دارای مسائل مختلف فقهی و زبانی و اعتقادی زرتشتیان است. همچنین روایتی دیگر را به او برای سال ۸۵۵ یزدگردی نسبت می دهند که نام مورخ ذکر نشده، اما شباهت بسیاری از لحاظ مفاهیم با او دارد.^{۳۶}

تاوادیان نخست به اصل پهلوی این متن اشاره می کند و این نظر را که اصل این کتاب از روی پهلوی بوده می پذیرد، اما اینکه کتابی با عنوان «صد در» در پهلوی وجود داشته، به دلیل کمبود شواهد تأیید نمی کند، اما آن را رد نیز نمی کند و معتقد است که یک مؤلف معتبر آن را از پهلوی به فارسی زرتشتی برگردانده است.

او در ادامه به نخستین مؤلف، یعنی «خسروشاه پسر آذرباد» می پردازد و چون از وی اشاراتی در دیگر متون و نسخه ها به دست نیآورده، در این باره سکوت می کند و متن کنونی را از اثر «خسروشاه [پسر] آذرباد» نمی داند.

تاوادیان سپس به «بهمن پایدار» اشاره می کند و او را کسی می داند که از روی کتاب «ایران شاه [پسر] ایزدیار» به فارسی نوشته است، اما گفتنی است او را فقط یک رونویس گر نمی داند، بلکه او را یکی دیگر از مؤلفان این متن می داند که مطالبی به آن افزوده است. او «پایدار» را این طور توجیه می کند که این نام تقریباً «پادار» و عربی آن «فادار» است و او را «پادار» یکی از پژوهشگران ناحیه اصفهان می داند که در روایات داراب هرمزدیار از وی نام برده شده است.^{۳۲}

د) صد در بندهش: یکی دیگر از صد درهای که مربوط به روایات قدیم فارسی زرتشتی است، صد در بندهش است که ساختاری بین صد در نثر و نظم و صد در بحر طویل دارد.

درباره نام این کتاب نظرات متفاوتی وجود دارد. اسم این کتاب همان طوری که در خود متن آمده و پیش از آنکه بندهش بگذارند، شایسته ناشایسته بوده است که بعدها به دلیل شباهت آن با بندهش پهلوی و نیز اینکه کتاب با توصیف آفرینش در جهان آغاز و پایان کتاب بحث معادشناسی و کیهان شناسی زرتشتی است، نام آن را صد در بندهش گذاشته اند.^{۳۳}

وست نام این کتاب را صد در بند هوش (Sad dar band i hush) می داند و استناد به نامه ای می کند که نخستین بار زرتشتیان ایران به هند فرستادند و در آنجا از «صد در بندهوش» نام برده شده است، اما به دلیل اینکه در دست نویس های موجود این نوع قرائت به دست نیامده، پس نمی توان آن را «صد در بندهوش» داشت.^{۳۴}

نام نویسنده این کتاب مشخص نیست، اما زمان آن را می توان گفت که پیش از ۸۹۶ یزدگردی است؛ چون کهن ترین نسخه از صد در بندهش در روایات کامدین کامبایتی فرستاده شده از ایران در ۸۹۶

32. Tavadia, Ibid, 35.

سید سعید+ رضا منتظری، «صد در نثر و صد در بندهش و معرفی نسخه های آن»، ص ۲۴۳.

33. Dhabar, Ibid, III.

34. West, Sacred Books of the East, IIIII.

35. Blochet, Ibid, 97; Bartholomae, Ibid, 45;

منتظری، همان، ص ۲۴۹-۲۵۰.

36. Vitalone, "The Persian Revayats, a Bibliographic Reconnaissance", 7; Hodivala,

۲-۳. روایت فرخ بخش نوروز فریروز و دیگران

این روایت در واقع پاسخ نامی است که دستوران ایران در سال ۸۸۰ یزدگردی توسط سه تاجرزرتشتی به نام‌های فرخ بخش نوروز و سعد مرزبان شاه و نوشیروان مهربان برای پارسیان هند می‌برند. در این روایت مسائلی از قبیل پایان جهان، توصیف و شرح نسک‌های اوستا و هنرهای پانزده‌گانه دستوران و شرایط هیربدان و وظایف موبدان و شرح جملات اوستا و آموزش مفاهیم اعتقادی زرتشتیان اشاره شده است.^{۳۷}

۳-۳. روایت شاپور آسا

آورنده این روایت شخصی به نام کاما آسا یا کاما بهره در ۸۹۶ یزدگردی است و بلندترین روایت موجود در آثار فارسی زرتشتی است. این روایت از دو بخش تشکیل شده که بخش نخست به پازند و بخش دیگر به فارسی زرتشتی است. در این روایت از مسائل مختلف دین زرتشتی از باورها، عقاید، مسائل فقهی و حقوقی، دعاها، اوراد و اذکار گرفته تا داستان‌ها و اساطیر ایران باستان که از آنها ذکری به میان آمده است. همچنین مجموعه‌هایی چون صد در بندش، مارنامه، جاماسب‌نامه، صد در نظم در مجموعه این روایت جای داشته و به وسیله آنها به هند منتقل شده است.^{۳۸}

از جمله روایات دیگر باید به موارد زیر اشاره کرد:

روایت جاسا (۸۸۵ ی)؛ روایت اسفندیار سهراب؛ روایت اسفندیار یزدیار و رستم کمبایتی (۹۰۴ ی)؛ روایت کامدین شاپور (۹۲۸ ی)؛ روایت کاوس کامدین (۹۳۹ ی)؛ روایت فریدون مرزبان (۹۴۹ ی)؛ روایت دستور بهروچ (۹۴۹ ی)؛ روایت دستور کامدین پدم بهروچ (۹۶۷ ی)؛ روایت کاوس ماهیار (۹۷۰ ی)؛ روایت بهمن اسفندیار (۹۹۶ ی)؛ نامه به دستور کامدین پدم (۱۰۰۵ ی)؛ نامه اسفندیار رستم کرمانی به بهدینان سورت، بهروچ و نوساری (۱۰۰۵ ی)؛ نامه برزو کامدین (۱۰۲۲/۱۰۱۹ ی)؛ روایت جاماسب آسا (۱۰۹۰ ی)؛ نامه به دستور داراب سهراب (۱۱۱۳ و ۱۱۳۸ ی)؛ روایت ایثوتر (۱۱۴۲ ی)^{۳۹}.

۴. تاریخ و ادبیات

۴-۱. تاریخ

تاریخ گذشته ایران و تمسک جستن به شکوهمندی آن، همواره یکی از مباحثی بوده که زرتشتیان در رسالات و کتب خود بسیار به آن پرداخته و همواره در بیشتر مواقع گریزی به آن زده‌اند. این ذکر تاریخی هم راجع به تاریخ اساطیری و روایی ایران بوده و هم به تاریخ واقعی ایران پرداخته است که هر یک از آنها به دلیل در برداشتن یافته‌هایی درباره این دوران ارزشمند هستند و باید بررسی شوند.

۱-۴. زندگی زرتشت پیغامبر

این سروده از آثار کاوس کی پور کیخسرو است در بحر متقارب که به زرتشت‌نامه یا مولود زرتشت معروف است و پیش‌تر بر آن بودند که این اثر را بهرام پژدو سروده، اما از ۱۹۶۰م به بعد روشن شد که کاوس کی پور کیخسرو سراینده اصلی این اثر است.^{۴۰}

زرتشت‌نامه که کهن‌ترین مجموعه حماسی دینی زرتشتی است، بیشتر از روی گزیده‌های زادسپرم و دینکرد هفتم به زبان روان و ساده سروده شده و شامل احوالات زرتشت، نحوه زایش، معجزات دوران کودکی، رفتارها، معجزات و طریقه گسترش دینش و مسائل معادشناسی زرتشتی است.^{۴۱}

۲-۴-۱. کتاب چنگرنگهاچه

یکی از آثار زرتشت بهرام پژدو است که دارای ۳۴۵ بیت مقدمه و ۲۷۹ بیت در بدنه اصلی داستان است. این داستان درباره مناظره‌ای است که میان چنگرنگهاچه شخصی برهمنی بسیار دانشمند با زرتشت است. چنگرنگهاچه فردی بوده که در زمان زرتشت در هند پیروان بسیاری داشته و زمانی که خبر ظهور زرتشت را به او می‌دهند، بسیار عصبانی شده و برای مباحثه و مناظره ورد دین زرتشت تقاضای مناظره علنی با زرتشت را می‌کند. او مدت دو سال را صرف تهیه سؤالاتی از زرتشت می‌کند و در روز مناظره پیش از آغاز آن، زرتشت نسکی از اوستا را می‌خواند که تمام پاسخ‌های او در آن بوده است و بدین ترتیب چنگرنگهاچه به دین زرتشت می‌گردد و جز پیروان او می‌شود. در تفسیر این داستان گفته‌اند که در واقع این داستان پاسخی است به انتقاد داستانی که در اواخر دوره ساسانی مبنی بر اینکه دین زرتشت بیشتر منحصر به منطقه و ناحیه‌ای است و گستره جهانی ندارد.^{۴۲}

۳-۴-۱. قصه سنجان

داستان منظومی از مهاجرت زرتشتیان است که توسط بهمن پسرکی قباد در سال ۹۶۵ در ۴۳۱ بیت در بحر هزج مسدس محذوف سروده و در آن شرح حوادث و مشکلات و سختی‌ها و نحوه مهاجرت عده‌ای از زرتشتیان به هند و وقایعی که این مهاجران در هنگام ورود به هند انجام داده‌اند و با چه مشکلاتی و حملاتی مواجه شدند اشاره می‌کند.^{۴۳}

۴-۴-۱. داستان مرغوزن نوشیروان عادل یا دخمه انوشیروان

این اثری است به نشر که در آن شرح داستان مأمون است که وصف

۴۰. رحیم غفینی، ارداویراف نامه منظوم، ص ۹-۲۰.

41. Blochet, Ibid, 106;

آموزگار، زبان، فرهنگ و اسطوره، ص ۱۷۷.

42. Dhabar(b), Ibid,61; Katrak; Ibid,34-57;

آموزگار، زبان، فرهنگ و اسطوره، ص ۱۰۲-۱۰۳.

43. Williams, *The Zoroastrian Myth of migration from Iran and Settlement in the Indian Diaspora, text, translation and analysis 16 Century Qess-ye-sanjan, the story of Sanjan, 20-40; Katrak, Ibid, 191; Blochet, Ibid, 80, 85, 106.*

Studies in parsi History, 238-288;katrak, Ibid, 121-122.

37. Hodivala, Ibid,288; Vitalone, Ibid, 8; Katrak,Ibid, 122.

38. Vitalone, Ibid,10; Katrak, Ibid,12,24,73; Dhabar(a), Ibid, 71,86.

39. Vitalone, Ibid,10-20.

۲-۴. ادبیات

شاید بتوان بیشتر آثار فارسی زرتشتی را در قالب ادبیات جای داد، اما اگر بخواهیم کمی ریزینه‌تر بر خورد کنیم، باید گفت که گفته‌های زرتشتیان در قالب شعر، داستان و حکایت بیشتر خود را نشان می‌دهد. سروده‌های آنها بیشتر دارای محتوای دینی و اخلاقی و مسائل آیینی آنها است و کمتر به امور ظریف و گونه‌های ادبی پرداخته‌اند و هدف از سرودن این‌گونه آثار بیشتر مفاهیم و نگهداری آنها ملاک بوده تا خلق نوعی اثر ادبی. با این تفاسیر شاید بتوان سرودها و آثاری که متعلق به ادبیات فارسی زرتشتی است بیشتر نزدیک به سبک بازگشت و خصوصیات سبک‌شناسانه و ادبی آن دانست تا دیگر سبک‌های ادبی. از شاعران زرتشتی که دست به خلق آثاری به فارسی زدند باید به بهرام پژدو و پسرش زرتشت، ایران شاه بن ملک شاه، دستور نوشیروان مرزبان، سیاوخش منوچهر، رستم اسفندیار، بهزاد رستمی، دستور بهمن کیقباد، دستور داراب پالن، دستور برزو قوام الدین، دستور داراب هرمزدیار، ملافیروز و دیگران اشاره کرد.^{۴۸}

آنچه که از لحاظ ادبی برای قالب شعر بیان شد، برای داستان‌ها و حکایات نیز صادق است. برای آنها از جهت آنکه بیشتر درباره شخصیت‌های دینی و تاریخی و وقایع آن شکل گرفته، نمی‌توان از لحاظ ادبی جایگاهی را در نظر گرفت، اما از لحاظ دینی و آیینی و شرح گفتار حکیمان موبدان و وقایع دستوران جای تأمل و بررسی را دارد. از این دست می‌توان به حکایت در شک و یقین، گفتار اندر حکایت خادم با پادشاه، حکایت درویش و نان پاره، حکایت جوانی و پیری، حماسه بانو گشسب‌نامه و غیره اشاره کرد.^{۴۹}

۵. رسائل اخلاقی

دین زرتشتی یکی از اخلاقی‌ترین ادیان جهان به حساب می‌آید و مؤید این موضوع آثار بسیار زیادی است که در قالب متون اندرزی و اخلاقی از ایران باستان به جای مانده و بعد از اسلام نیز بسیاری از آنها را زرتشتیان برای پیروان خود و حتی برای دیگر اقوام و ادیان مجاورشان مخصوصاً مسلمانان ترجمه و به فارسی روان برگرداندند و بسیاری از آنها در متون اسلامی بازتاب یافته‌اند؛ از جمله در آثار جاویدان خرد ابن مسکویه رازی و نصیحة الملوک غزالی. از جمله آثاری که به فارسی است و در قالب متون اندرزی قرار می‌گیرند عبارت‌اند از:

۱-۵. ظفرنامه

اثری است که اصل آن برای بزرگمهر حکیم بوده که بوعلی سینا آن را ترجمه کرده است. این اثر شامل پرسش و پاسخ‌های اندرزی است که

شکوه و جلال کاخ‌های ساسانیان را شنیده بود و بر آن بود که آنجا را ویران سازد. او برای رسیدن به این هدف تلاش بسیاری کرد، اما نتوانست تا سرانجام سراغ قبر انوشیروان را گرفت و پیرمردی آنها را بر مزار انوشیروان رهبری می‌کند و مأمون انوشیروان را می‌بیند که با ابهتی تمام نشسته و درحالی که جامه‌های فاخر پوشیده و بر روی لوحه‌ای آمدن خلیفه را پیش‌بینی کرده بود و این عاملی شد تا مأمون به او احترام کند و از این عمل سرباز زند.^{۴۴}

۵-۱-۴. داستان نوشیروان عادل و گفتار فرخ‌نامه که یونان دستور به نوشیروان نوشت

رساله‌ای است به نثر که در ابتدا به سلطنت قباد پرداخته و چگونگی ظلم‌های او و خلع او از سلطنت و جانشینی برادرش بلاش و بازگشت او به قدرت و جانشینی خسرو انوشیروان را مطرح می‌کند و در ادامه به شرح روابط خسرو با حکیمی دانشمند و رانده شده از دربار قباد به نام یونان می‌پردازد و در ادامه به شرح نامه‌های حکیمانه‌ای که بین او و خسرو رد و بدل شده اشاره می‌کند و در آن شرح داده شده که چگونه یونان با بی‌توجهی روبرو شده و در آتشکده‌ای خود را پنهان ساخته تا اختلافات او با خسرو برطرف شود و دیدگاهش نسبت به او تغییر کند.^{۴۵}

۶-۱-۴. جاماسب‌نامه

از جمله آثار فارسی زرتشتی است که با اصل پهلوی و یازند جاماسب‌نامه تفاوت دارد و در آن به مسائلی چون تأثیرات اقران فلکی و سماوی بر نظام آفرینش می‌پردازد و در ادامه نیز به شرح چگونگی پیدایش زرتشت و به قدرت رسیدن پادشاهان بزرگ و رسولان و شخصیت‌های مهم در تاریخ می‌پردازد. پیام‌آوران و شخصیت‌های بزرگی چون موسی، عیسی، محمد، اسکندر، مزدک، ابومسلم، یعقوب لیث، سلطان محمود و دیگر سلسله‌های تاریخی طارهبیان و غزنویان می‌پردازد.^{۴۶}

همچنین آثار دیگری درباره تاریخ اساطیری ایران از قبیل کیومرث، طهمورث، جمشید، افراسیاب بن پشنگ، گشتاسب و لهراسب و تاریخ واقعی ایران از قبیل زرتشت‌نامه نوشیروان جاماسب، معنی آفرین زرتشت، احوال صبر و شکیب آذرباد، داستان عدالت شاه نوشیروان، داستان مزدک و شاه نوشیروان عادل، اندر خروج مزدک، دادار بن داد دخت، حکایت شاهزاده ایران زمین با عمر خطاب، نامه مهدی فروخ شخسان، عهدنامه علی (ع) به بهرام شاد و غیره آمده است.^{۴۷}

۴۴. آموزگار، زبان، فرهنگ و اسطوره، ص ۱۱۹.

45. Modi, Ibid, 29; Dhabar (b), Ibid, 176;

آموزگار، زبان، فرهنگ و اسطوره، ص ۱۱۹.

۴۶. Katrak, Ibid, ۱۶۱, ۹۹, ۱۲; Blochet, Ibid, ۱۰۱; Dhabar (a), Ibid, ۸۱, ۷۸.

47. Sarafraz, Kh. B. Sh. (1935), *Descriptive Catalogue of the Arabic Persian and Urdu Manuscripts in the Library of the University of Bombay*, 337-338; Blochet, Ibid, 71, 77; Dhabar (a), Ibid, 83; Dhabar (b), Ibid, 64-65;

سیده مهدی غروی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی بمبئی. کتابخانه مؤسسه کاما، ص ۶۷.

۴۸. فردریک رزبرگ، مقدمه زرتشت‌نامه، ص ۲۰ و آموزگار، زبان، فرهنگ و اسطوره، ص ۱۰۷-۱۰۹.

49. Bartholomae, Ibid, 170-180; Dhabar (a), Ibid, 64;

روایات داراب هرمزدیار، جلد ۲، ص ۳۰۵-۳۱۱، ۳۲۸، ۴۱۷.

- India Office, India Office Library, Oxford, vol. I.
- Kargar, D. (2009), *Arday-Viraf-Name*, Studia Iranica Upsalansia 14, Uppsala Universtet.
- Katrak, J.C. (1941), *Oriental Treasures, being Condensed Tabular Descriptive Statement of Over a Thousand Manuscripts and of Their Colophons Written in Iranian & Indian Languages and Lying in Private Libraries of Parsis in Different Centres of Gujarat, Bombay*.
- Modi, J. J. (1922), *The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees*, Bombay, The Trustees of the Parsee Panchayet.
- Müller, F. (1889), "A Catalogue of the Zand and Pahlavi MSS. belonging to Khan Bahadur Dr. Hoshangji J. Āsā, Sirdār of the First Class, Daštūr of the Pārsīs in the Dekhan", *Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes*, Band III, 1889, pp. 195-201.
- Pahlan, D. D. (1924), *Farziat-Nameh and Kholaseh- i Din*, Text and Version with Notes by Jivanji Jamashedji Modi, Bombay.
- Tavadia, J. C. (1954), "Sad Dar Versions and their Authors", *Papers on Iranian Subjects Prof. Williams Jackson Memorial Volume*, The K. A. Cama Oriental Institute, Bombay.
- Unvala, M. R. (1922), *Dārāb Hormozyar Rivāyat, Text*, Bombay.
- Weßt, E. W. (1896-1904), "Pahlavi Literature", *Grundriss der iranischen Philologie*, Herausgegeben von W. Geiger und E. Kuhn, Verlag von Karl J. Trübner, Strassburg, zweiter Band, pp. 75-129.
- _____ (trans). 1885 (rep. 1994), *Sacred Books of the East*, ed. by M. Müller, vol. 24. Part III, Motila. Banarasidass Publishers Private I. Delhi.
- Vitalone, M. (1987), "The Persian Revayats, a Bibliographic Reconnaissance", Istituto Universitario Orientale Dipartimento di Studi Asiatici, Napoli.
- _____ (1996), *The Persian Revāyat "Ithoter", Zoroastrian Rituals in the Eighteenth Century*, Istituto Universitario Orientale Dipartimento di Studi Asiatici Napoli.
- Sachau, Ethe (1889), catalogue of the Persian, Turkish, Hinduṣtani and pushtu manuscripts in the Bodleian Library, begun by ed. Sachau continued completed and ed by H. Ethe, Oxford.
- Bartholomae, ch. (1915), *Die Zendband Schriften derk hof und staats bibliotek in Munchen, Munchen*.
- Hodivala, Sh. H. (1920), *Studies in parsi History*, Bombay.
- Modi, J. (1924), *The Persian ferziat-nameh and Kholase- I Din of Das-tur Darab Pahlan*, Text and Version With notes, Bombay.
- Rieu, Ch, (1879), *Catalogue the Persian manuscript in the British Museum*, Vol. I, London.
- Sarafraz, Kh. B. Sh. (1935), *Descriptive Catalogue of the Arabic Persian and Urdu Manuscripts in the Library of the University of Bombay*, Bombay.
- Williams, A. (2009), *The Zoroastrian Myth of migration from Iran and Settlement in the Indian Diaspora*, text, translation and analysis 16 Century Qess- ye-sanjan, the story of Sanjan, Leiden and Boštan.

بین انوشیروان و بزرگمهر درمی‌گیرد. این اثر را زرتشتیان بسیار مورد توجه قرار داده و به فارسی نو آن را برگرداندند که نسخه‌هایی از آن در کتابخانه مهرجی رانا، کاما و غیره موجود است.^{۵۰}

از دیگر متون اندرزی می‌توان به پندنامه ملافیروز، پندنامه دستور داراب پالن، پندنامه نوشیروان، پندنامه ملاهیرید جمشید و جاویدان خرد اشاره کرد.^{۵۱}

البته زردشتیان در شاخه‌های نجوم، هیأت، خوابگزاری، فالنامه، تقویم و گاهشماری پیشگویی نیز آثاری دارند که از درجه اهمیت کمتری برخوردار است و در اینجا فقط به ذکر مطالبی از آنها اکتفا شده و لزوم بحث‌های مفصل درباره آنها نیست.^{۵۲} در پایان باید گفت که غرض از این مقاله معرفی موجز آثار و نوشته‌هایی است که از این نوع از ادبیات در گستره آثار مکتوب زبان فارسی به جای مانده و همت بلند محققان و مصححان آثار فارسی را می‌طلبد. امید است که این مقاله سرآغازی باشد برای تحقیقات کامل‌تر و ژرف‌تر در این حوزه از آثار مکتوب فارسی.

کتابنامه

- آموزگار، زاله؛ زبان، فرهنگ و اسطوره؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات معین، ۱۳۷۸.
- روزنبرگ، فردریک؛ مقدمه زراتشت نامه؛ تصحیح محمد دبیرسیاقي؛ تهران، ۱۳۳۸.
- غروی، سیدمهدی؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی بمبئی. کتابخانه مؤسسه کاما؛ گنجینه مانکجی، اسلام آباد، ۱۹۸۶.
- عفیفی، رحیم؛ ارداویراف منظوم؛ مشهد، ۱۳۴۳.
- منتظری، سیدسعیدرضا؛ «صد در نثر و صد در بندهش و معرفی نسخه‌های آن»؛ مجله آیین میراث، شماره ۵۵، ص ۲۳۹-۲۵۴، ۱۳۹۳.
- Bloch, E. (1900), *Catalogue des manuscrits mazdéens (Zend, Pehlvis, Parsis et Persans) de la bibliothèque nationale*, Imprimerie Nationale, Besançon
- Dhabar, E. B. N. (1909), *SaddarNasr and SaddarBundelesh*, Ed. by Ervad Bamanji Nasarvanji Dhabhar, Trustees of the Parsee Panchayet Funds and Properties, Bombay.
- _____ (1923 'a'), *Descriptive Catalogue of some Manuscripts bearing on Zoroastrianism and Pertaining to the Different Collections in the MullaFeroze Library*, Trustees of the Parsee Panchayet Funds and Properties, Bombay.
- _____ (1923 'b'), *Descriptive Catalogue of all Manuscripts in the First Daštūr Meherji Rana Library Navsari*, Tata Publicity Corporation, Bombay.
- Ethé, H. (1903), *Catalogue of Persian Manuscripts in the Library of the*

50 Dhabar (b), Ibid, 150; Katrak, Ibid, 120..50

51. Katrak, Ibid,144; Dhabar(b), Ibid,154.

52. Katrak, Ibid, 7; Bartholomae, Ibid, 114; Dhabar(a), Ibid, 76.